

البيع والشراء والرهن والشركة

خريدوفروش، رهن و شركت

س ١٧١ / البيع على المكشوف وهي عملية بيع تقدمها بعض شركات الوساطة عن طريق الانترنت، أي أن يربح البائعون على المكشوف عند تراجع سعر الأسهم. على سبيل المثال: إذا اعتقد مستثمر أن سهم شركة س (سهم س) قد تم تقييمه بأعلى من قيمته الحقيقية عند مستوى ١٥ دولار وبأن السعر سيتراجع، فيمكنه النقر فوق زر "بيع على المكشوف" لفتح صفقة بيع على المكشوف على سهم س. وإذا تراجع سعر السهم إلى ١٠ دولار، يربح المستثمر ٥ دولارات عن كل سهم. لكن إذا ارتفع سعر السهم إلى ٢٠ دولار سيخسر المستثمر ٥ دولارات على كل سهم.

پرسش ١٧١:

پيش فروش، فرآيند فروشى است كه برخى شركت‌هاى (تجارى) واسط بر بستر اينترنت انجام مى‌دهند كه در آن، فروشندگان هنگام پايين آمدن قيمت سهام سود مى‌برند.

به عنوان مثال اگر سرمايه‌گذارى تصور كند سهام شركت س (سهم س) بالاتر از قيمت واقعى اش مثلاً حدود ١٥ دلار برآورد شده است و اينكه قيمت آن پايين خواهد آمد، مى‌تواند بر اساس شرايط «پيش فروش» قرارداد فروش سهام س را آغاز نمايد. حال اگر قيمت سهام به ١٠ دلار كاهش يابد، سرمايه‌گذار 5 دلار سود خواهد نمود ولى اگر قيمت سهام به ٢٠ دلار افزايش يابد، سرمايه‌گذار 5 دلار به ازاي هر سهم ضرر خواهد نمود.

ج/ يجوز.

پاسخ:

جائز است.

س ١٧٢ / ما حكم التجارة بالذهب والنفط وبورصات النقد والأسهم وتجارة عقود الآجل والفروقات وغيرها، وكلها تتم عن طريق الإنترنت من خلال شركات وساطة توفر لك خدمة الاتجار بهذه الأمور؟

پرسش ١٧٢:

حکم تجارت طلا، نفت، بورس نقد و سهام، معاملات مدت‌دار و آتی، و نظایر آن‌که همگی بر بستر اینترنت و از طریق شرکت‌های واسطه‌ای که خدمات تجاری این امور را ارائه می‌دهند انجام می‌شود، چیست؟

ج/ یجوز.

پاسخ:

جایز است.

س ۱۷۳/ شخص اشتری کمیه ذهب بسعر ستة عشر مليون وباعه على آخر بتسعة عشر وبالأقساط، يزعم أن هذا نفس ربح الحاضر، فهل هذا جائز؟
پرسش ۱۷۳:

شخصی مقداری طلا به قیمت شانزده میلیون خریداری کرد و به شخصی دیگر به قیمت نوزده میلیون به صورت اقساط فروخته است و چنین می‌پندارد که این مبلغ، همان سود کنونی است. آیا این کار جایز است؟

ج/ لا إشكال في مقدار الربح طالما أنه لم يتجاوز معدل سعر السلعة في السوق.
پاسخ:

اشکالی در مقدار سود نیست تا زمانی که از میانگین قیمت کالا در بازار تجاوز نکند.

س ۱۷۴/ ما حکم بضاعة تم شراؤها ثم اكتشف فيما بعد أنها مسروقة، كيف يجب التصرف بها، هل يجوز الاستمرار في استخدامها، وهل يجب التوقف عن التعامل مع البائع مرة أخرى، هل يجب إبلاغ المسؤولين أن البضاعة مسروقة؟
پرسش ۱۷۴:

کالایی خریداری و سپس مشخص شده که دزدی است. حکمش چیست؟ چگونه می‌توان در آن دخل و تصرف کرد؟ آیا می‌توان به استفاده از آن ادامه داد؟ و آیا نباید بار دیگر با آن فروشنده معامله کرد؟ آیا اطلاع‌رسانی به مسئولین درباره این کالای دزدی واجب است؟ فیلم‌هایی خریداری کرده بودم که بعداً مشخص شد دزدی هستند.

ج/ إذا كان يمكن إعادة المسروق إلى صاحبه يُعاد له، وإن لم يمكن إعادته يُعمل بالممكن كأن يُتصدق نيابة عن المالك أو يُدعى له. ولا يجب الامتناع عن التعامل مع البائع ولا يجب الإبلاغ.

پاسخ:

اگر بازگرداندن مال دزدی به صاحبش امکان پذیر باشد به او بازگردانده می شود و اگر امکان بازگرداندن آن وجود نداشته باشد کاری که امکان پذیر است به انجام می رسد، مانند اینکه به نیابت از مالک صدقه داده یا برای او دعا شود. امتناع از معامله با فروشنده واجب نیست و اطلاع رسانی نیز واجب نیست.

س ۱۷۵ / آرید أن اسأل عن الحكم الشرعي لمعاملتين عقاريتين:

پرسش ۱۷۵:

از حکم شرعی درباره دو نوع معامله ملکی سؤال دارم:

۱/ ما یسمى بالرهينة: وهو أن يقوم المکتری بقرض صاحب المنزل مبلغاً مالياً معيناً علی أن یکری له المنزل بثمن یكون صغيراً بالنسبة لثمن الكراء العادي، بعد انتهاء مدة الكراء یرجع له المال الذي أقرضه في الأول؟
۱- رهن: به این شکل که مستأجر مبلغی معین را به صاحبخانه قرض می دهد تا آن خانه را با قیمتی کمتر از کرایه عادی به او اجاره دهد و بعد از پایان یافتن مدت اجاره صاحبخانه مبلغی را که قرض گرفته است باز می گرداند.

ج ۱/ یجوز.

پاسخ ۱:

جایز است.

۲/ ما یسمى بالساروت: یقوم فيه مکتری قديم للمنزل (ویکون یکتری بثمن صغير جداً بالمقارنة مع ثمن الكراء العادي لأنه اکثره من زمن بعيد) ببيع کرائه إلى مکتری جدید بثمن یكون غالباً خمس ثمن المنزل؛ إما بإعلام صاحب المنزل أو لا، والکراء یكون مفتوحاً في الوقت بنفس ثمن الكراء السابق؟

۲- ساروت: مستأجر قدیمی یکخانه (که به قیمت بسیار پایین تر نسبت به کرایه عادی کرایه کرده چون زمان زیادی است که آن خانه را کرایه کرده است) اجاره اش را به مستأجر جدید به قیمتی که معمولاً یک پنجم قیمت خانه است می فروشد و این مطلب را یا به اطلاع صاحبخانه می رساند و یا نمی رساند و اجاره بها به همان مبلغ اجاره قبلی باقی می ماند.

ج ۲ / إن كان المؤجر القديم كان قد دفع مبلغاً معيناً لصاحب البيت لقاء أن يجري عقد الإيجار معه مقابل مبلغ ثابت لا يتغير فعندها يكون له بيع حقه في البيت، أما إن كان مجرد مؤجر قديم فليس له حق.

پاسخ ۲:

اگر مستأجر قدیمی مبلغ معینی به صاحب‌خانه داده باشد تا قرارداد اجاره در مقابل مبلغ ثابتی که تغییر نمی‌کند در اختیار او باشد، در این صورت می‌تواند حق خود در مورد این خانه را بفروشد، اما به صرف اینکه او مستأجر قدیمی است چنین حقی برایش وجود نخواهد داشت.

س ۱۷۶ / يوجد موقع على الانترنت للاشتراك بالبورصة العالمية الانترنيتية حيث يتم التداول انترنيتياً بالذهب والنفط والعملات، ويتم الاشتراك بالموقع من خلال أن يدفع المشترك اشتراك أقل شيء ۳۰۰ دولار ويدخل بالموقع، فاشتركت من دون أن أعرف حلية أو حرمة الاشتراك به فكل توقعي أنه حلال ولكن أخبرني أحد الأخوة الأنصار أنه حرام.

<https://financikalive.tradenetworks....heme=Financika>

ولكن هل يمكنني أن أتعامل معهم إلى أن أحصل على مالي الذي اشتركت به؟

پرسش ۱۷۶:

در اینترنت وبسایتی برای اشتراک در بورس اینترنتی جهانی وجود دارد به‌گونه‌ای که مبادلات طلا و نفت و پول به‌صورت اینترنتی انجام می‌شود و اشتراک سایت به این شکل است که مشترک حداقل مبلغ ۳۰۰ دلار پرداخت می‌کند و داخل سایت می‌شود. من بدون اینکه حلال یا حرام بودن این اشتراک را بدانم مشترک شدم و انتظار داشتم که این کار حلال باشد ولی یکی از برادران انصار به من گفت که حرام است.

<https://financikalive.tradenetworks....heme=Financika>

آیا من می‌توانم با آن‌ها معامله کنم تا پولی که با آن مشارکت کرده‌ام را به دست

بیاورم؟

ج / يجوز التعامل إذا كان البيع والشراء حقيقياً، أما إذا كان مجرد رهان على ارتفاع وانخفاض الأسعار دون وجود أي معاملة شراء حقيقية لمواد أو أسهم معينة فلا يجوز، أما مسألة استرداد مالك فيجوز لك أن تسترد مالك منهم.

پاسخ:

اگر خرید و فروش حقیقی باشد معامله کردن جایز است اما اگر فقط شرط بندی برای بالا و پایین کردن قیمت ها باشد بدون اینکه هیچ گونه معامله خرید حقیقی مواد یا سهم های معین در کار نباشد، جایز نیست. اما مسئله بازگرداندن پولت، جایز است پولت را از آن ها پس بگیری.

س ۱۷۷ / سیدی سؤالی بخصوص النجمة الخماسية هل هي تعود إلى نبي من الأنبياء مثل النجمة السداسية تعود إلى النبي داود (عليه السلام)، وهل يجوز شراء سيراميك الصحيات الذي يحتوي على النجمة الخماسية؟

پرسش ۱۷۷:

آقای من! پرسش من در خصوص ستاره پنج پر است؛ اینکه آیا این ستاره به پیامبری از انبیا بازمی گردد مثل ستاره شش پر که به داود نبی (علیه السلام) بازمی گردد؟ و آیا خریدن سرامیک های دستشویی که دارای ستاره پنج پر هستند جایز است؟

ج/ يجوز شراء السيراميك سواء عليه نجمة خماسية أم سداسية.

پاسخ:

خریدن سرامیک چه بر آن ستاره پنج پر باشد و چه شش پر، جایز است.

س ۱۷۸ / قررت الاشتراك مع أحد المسيحيين في إحدى الدول الأوروبية بافتتاح مطعم أو كافيه، ونظراً لكون المطاعم هنا تتضمن فقرات متعددة وتكون كبيرة نوعاً ما فقد اشترطت عليه منذ البداية بأن تكون اللحوم حلال، وكذلك اشترطت عليه بأن لا يكون هناك أي نوع من أنواع الكحول، وقد وافق على هذه الشروط، فقررنا على هذا الأساس العمل معاً مناصفةً، وبعد أن دُفعت الأموال وكتبت العقود اكتشفت بأن الشريك المسيحي يريد أن يجعل ضمن فقرات المطعم ما يسمى بفقرة الميكروفون (وهي تعني أن يكون هناك سماعة في المطعم يستعملها أي أحد يريد من الزبائن لإلقاء كلمة معينة أو أغنية معينة أو أي فقرة تعجبه وذلك نظير مبلغ معين من المال يدفعه الزبون للمحل)، وقد اعترضت على ذلك ولم استطع إقناع الشريك بإلغاء هذه الفقرة، ولذلك فاني الآن أمام خيارين:

الأول: أن آخذ نصف الأرباح - على اعتبار أنني شريك بالنصف - ويكون في

نيتي إن ما وصلني من واردات لا تتضمن فقرة الميكروفون.

الثاني: أن أطلب من شريكي بأن يتم عزل الوارد من فقرة الميكروفون تماماً عن باقي واردات المحل ولا علاقة لي به، وبالتالي تكون حصتي هي النصف من باقي الواردات فقط وبالتالي تكون حصتي إجمالاً أقل من حصة الشريك.

علماً أني لا مانع لدي في الحالتين ولكن المهم أن أتأكد من حلية المال الداخل في ذمتي، فهل يحق لي أن آخذ نصف الأرباح الواردة من مجمل واردات المحل بضمنها فقرة المايكروفون، أم لا يحق لي ذلك ويلزمني عزلها؟

پرسش ۱۷۸:

قراردادی مشارکتی با یکی از مسیحیان در یکی از کشورهای اروپایی بستم که رستوران یا کافه‌ای بازکنیم. از آنجاکه رستوران‌های اینجا شامل آپشن‌های مختلفی هستند و به‌نوعی بزرگ می‌باشند، با او از ابتدا شرط کردم که گوشت‌ها حلال باشد. همچنین با او شرط کردم که در اینجا هیچ نوع از انواع الکل‌ها سرو نشود و او هم با این شروط موافقت کرد. به‌این‌ترتیب قرارداد بستیم که نصف به نصف مشارکت کنیم. بعد از اینکه پول‌ها ردوبدل و قرارداد نوشته شد معلوم شد که شریک مسیحی می‌خواهد ضمن آپشن‌های رستوران آپشنی به نام میکروفون قرار دهد (و این یعنی بلندگویی در رستوران قرار داده شود تا هرکدام از مشتریانی که می‌خواهد از آن استفاده کند تا گفتاری معین یا موسیقی معین یا هر چیزی که خوشش بیاید را اجرا نماید و این معادل مبلغ معینی پول است که مشتری به حسابدار می‌دهد). من به این کار اعتراض کردم و نتوانستم شریک خود را در لغو کردن این آپشن قانع سازم. اکنون من دو انتخاب دارم:

اول: نصف سود را دریافت کنم چون من پنجاه درصد شریک هستم و در نیت من چنین باشد که آنچه از درآمد به من می‌رسد آپشن میکروفون را در بر نداشته باشد. دوم: از شریک بخواهم آنچه از آپشن میکروفون به دست آمده است را به‌کلی از سایر درآمدهای رستوران کم کند و به‌این‌ترتیب من هیچ ارتباطی با آن نداشته باشم، و طبیعتاً در این صورت سود من فقط نیمی از باقی سود هست و سود من به‌طورکلی کمتر از سود شریک خواهد بود.

با توجه به اینکه در هر دو حالت مانعی برای من وجود ندارد ولی آنچه برای من مهم است تأکید داشتن بر حلال بودن پولی است که به دستم می‌رسد. بنابراین آیا من حق دارم که نصف سود درآمد کل درآمدهای رستوران را که در ضمن آن آپشن میکروفون نیز هست بردارم؟ یا من چنین حقی ندارم و باید آن را کنار بگذارم؟

ج/ يحق لك أخذ نصف الأرباح دون التنازل عن أي شيء منها.

پاسخ:

گرفتن نصف سود بدون کوتاه آمدن از هیچ‌چیزی از آن، حق تو است.

* * *